

Research Paper

Validation of the Social Entrepreneurship Education Model for Secondary School Students in Iraq

Jamal Khasif Hadi¹, Hamid Sina², Salam Naji Baqir Al-Ghadban³,
Nasrollah Ghashghaeizadeh⁴

Received: 05/07/2025

Accepted: 07/09/2025

PP:35-51

Abstract

Introduction: Social entrepreneurship is a dynamic and innovative field that plays a significant role in preparing individuals to drive positive social change. The main objective of this research was to validate a model for social entrepreneurship education for high school students in Iraq.

Methods: A descriptive correlational method was used. The statistical population for the quantitative section included university professors, managers, and teachers, totaling 351 individuals. A stratified random sampling method was employed. The research instrument was a researcher-made questionnaire derived from the findings of the qualitative phase of the study. Its content validity and reliability were confirmed using Cronbach's alpha, yielding a coefficient of 0.86. To validate the proposed model, the opinions of professors and teachers regarding the questionnaire's format and content were evaluated. Lincoln and Guba's criteria were also utilized. For analyzing the quantitative data, confirmatory factor analysis and structural equation modeling (model fitting) based on partial least squares were used.

Results: The results indicated that the social entrepreneurship education model, which consists of six overarching themes and 15 organizing themes—including goal setting (strategic goals and operational objectives), content foundations (psychological, legal, technological, economic, and health foundations), democratic approach (learner respect, open teaching strategies), culture building (awareness raising, modeling), evaluation (program evaluation, learner assessment), and ecosystem development (identity building, ecosystem enhancement)—has adequate fit. Its validity was confirmed from the perspective of university professors and high school teachers.

Conclusion: This model overall not only covers the technical and skill dimensions of social entrepreneurship but also pays special attention to human and cultural dimensions. Here, social entrepreneurship is seen as a comprehensive activity encompassing both economic and social-environmental aspects. The innovations of this model, compared to similar research, allow it to move beyond traditional frameworks and address the current and future needs of the local and potentially global community.

Keywords: Entrepreneurship, Social Entrepreneurship, Secondary Education

Citation: Hadi. J., Sina, H., Salam Naji Baqir A., Ghashghaeizadeh, Gh. (2025). Validation of the Social Entrepreneurship Education Model for Secondary School Students in Iraq. Journal of Ahsan Education, Vol 2, No 2, Pp 35-51

¹. Department of Educational Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

². Corresponding Author, Department of Educational Sciences, Fa.C. Islamic Azad University, Fasa, Iran. Email: Sina.Hamid@iau.ac.ir

³. Department of Psychological Counseling and Educational Guidance, Basra Branch, Basra University, Basra, Iraq.

⁴. Department of Educational Sciences, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Extended Abstract

Introduction:

Social entrepreneurship is a dynamic and innovative field that plays a significant role in preparing individuals to drive positive social change. By integrating entrepreneurial principles with a commitment to addressing social, economic, and environmental challenges, this form of education empowers individuals to transform innovative ideas into sustainable initiatives that generate meaningful social value. The main objective of this research was to validate a model for social entrepreneurship education for high school students in Iraq.

Methods: A descriptive correlational method was used. The statistical population for the quantitative section included university professors, managers, and teachers, totaling 351 individuals. A stratified random sampling method was employed. The research instrument was a researcher-made questionnaire derived from the findings of the qualitative phase of the study. Its content validity and reliability were confirmed using Cronbach's alpha, yielding a coefficient of 0.86. To validate the proposed model, the opinions of professors and teachers regarding the questionnaire's format and content were evaluated. Lincoln and Guba's criteria were also utilized. For analyzing the quantitative data, confirmatory factor analysis and structural equation modeling (model fitting) based on partial least squares were used.

Results: The results indicated that the social entrepreneurship education model, which consists of six overarching themes and 15 organizing themes—including goal setting (strategic goals and operational objectives), content foundations (psychological, legal, technological, economic, and health foundations), democratic approach (learner respect, open teaching strategies), culture building (awareness raising, modeling), evaluation (program evaluation, learner assessment), and ecosystem development (identity building, ecosystem enhancement)—has adequate fit. Its validity was confirmed from the perspective of university professors and high school teachers.

Conclusion: This model overall not only covers the technical and skill dimensions of social entrepreneurship but also pays special attention to human and cultural dimensions. Here, social entrepreneurship is seen as a comprehensive activity encompassing both economic and social-environmental aspects. The innovations of this model, compared to similar research, allow it to move beyond traditional frameworks and address the current and future needs of the local and potentially global community.

اعتباربخشی الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی دوره متوسطه

جمال خصیف هادی^۱، حمید سینا^۲، سلام ناجی باقر الغضبان^۳، نصراله قشقایی زاده^۴

تاریخ پذیرش: 1404/06/16

تاریخ دریافت: 1404/04/14

شماره صفحات: 51-35

چکیده

مقدمه: کارآفرینی اجتماعی یک زمینه پویا و نوآورانه است که نقش مهمی در آماده‌سازی افراد برای ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی دارد. با ادغام اصول کارآفرینی با تعهد به پرداختن به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، این شکل از آموزش افراد را قادر می‌سازد تا ایده‌های نوآورانه را به سرمایه‌گذاری‌های پایدار تبدیل کنند که ارزش اجتماعی معناداری ایجاد می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، اعتباربخشی الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی دانش آموزان دوره متوسطه کشور عراق بود.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری اطلاعات، پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری در بخش کمی شامل شامل اساتید دانشگاه و مدیران و دبیران به تعداد 351 نفر بود. با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته مستخرج از یافته‌های بخش کیفی تحقیق بود. روایی محتوایی و پایایی آن با روش الفای کرونباخ و ضریب 86٪، مورد تایید قرار گرفت. به منظور اعتباریابی الگو پیشنهادی، نظرات اساتید و معلمان در مورد قالب پرسشنامه و محتوای آن مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین از شخصی‌های لینکلن و گوبا نیز استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های بخش کمی، از تحلیل عامل تأییدی و تحلیل معادلات ساختاری (برازش الگو) مبتنی بر حداقل مربعات جزئی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی که متشکل از شش مضمون فراگیر و 15 مضمون سازمان دهنده شامل هدف‌گزینی (اهداف راهبردی و اهداف عملیاتی)، مبانی محتوایی (مبانی روانشناختی، مبانی قانونی، مبانی فناوری، مبانی اقتصادی، مبانی بهداشت سلامت)، رویکرد دموکراتیک (تکریم فراگیر، راهبردهای آموزش باز)، فرهنگ‌سازی (آگاهی بخشی، الگو سازی)، ارزشیابی (ارزیابی برنامه، ارزیابی فراگیران) و زیست بوم سازی (هویت بخشی، ارتقای زیست بوم) می‌باشد دارای برازش کافی می‌باشد و از دیدگاه اساتید و دبیران دوره متوسطه اعتبار آن مورد تایید می‌باشد.

نتیجه‌گیری: این الگو به طور کلی نه تنها ابعاد فنی و مهارتی کارآفرینی اجتماعی را پوشش می‌دهد، بلکه به ابعاد انسانی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای دارد. بر این اساس کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک فعالیت جامع دیده می‌شود که هم بعد اقتصادی و هم بعد اجتماعی و زیست‌محیطی را شامل می‌شود. نوآوری‌های این الگو در مقایسه با تحقیقات مشابه، باعث می‌شود تا از چارچوب‌های سنتی فراتر رفته و به نیازهای فعلی و آینده جامعه محلی و به احتمال زیاد جهانی پاسخ دهد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، دوره متوسطه

استناد: خصیف هادی، جمال، سینا، حمید، ناجی الغضبان، سلام باقر، قشقایی زاده، نصراله. (1404). اعتباربخشی الگوی آموزش

کارآفرینی اجتماعی دوره متوسطه، فصلنامه تعلیم و تربیت احسن، دوره شماره شماره صفحات

¹ . گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

² . گروه مدیریت آموزشی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران : نویسنده مسئول، رایانامه Sina.Hamid@iau.ac.ir

³ . گروه مشاوره روان‌شناختی و راهنمایی آموزشی، شعبه بصره، دانشگاه بصره، بصره، عراق

⁴ . گروه مدیریت آموزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

مقدمه

بدون شک در دوران معاصر، تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشر در تمام جوامع محسوب می‌گردد. پیچیدگی

فزاینده ساختارهای اجتماعی و لزوم تربیت و آماده سازی شهروندان برای زندگی در محیط تحول یابنده از یک سو و تعدد دیدگاه‌ها و رویکردهای تربیت در خصوص نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند نمود از سوی دیگر، بیش از پیش مسئولان و مقامات تعلیم و تربیت را دل مشغول هدایت و سازماندهی فرآیندهای آموزش نموده است (Talebzadeh Nobarian and Fathi Vajargah, 1993) کارآفرینی اجتماعی یک زمینه پویا و نوآورانه است که نقش مهمی در آماده‌سازی افراد برای ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی دارد. با ادغام اصول کارآفرینی با تعهد به پرداختن به چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، این شکل از آموزش افراد را قادر می‌سازد تا ایده‌های نوآورانه را به سرمایه‌گذاری‌های پایدار تبدیل کنند که ارزش اجتماعی معناداری ایجاد می‌کند. در هسته خود، کارآفرینی اجتماعی بر استفاده از استراتژی‌های کسب و کار برای دستیابی به اهداف اجتماعی متمرکز است. برخلاف کارآفرینی سنتی که هدف اصلی آن حداکثر کردن سود است، کارآفرینی اجتماعی بر ایجاد ارزش اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی در جوامع تأکید دارد. این تمرکز دوگانه بر دوام اقتصادی و تأثیر اجتماعی مستلزم مجموعه‌ای منحصر به فرد از مهارت‌ها و دانش است که هدف کارآفرینی اجتماعی پرورش آن است.

کارآفرینی اجتماعی می‌تواند به حل مسائل جامعه، به ویژه فقر و نابرابری کمک نماید (Nowroozi, 2023) با توجه به گسترده شدن مسائل اجتماعی از یک طرف و عدم انگیزه بخش خصوصی برای حل این مسائل به دلیل نداشتن منفعت مالی این کسب و کارها نیاز به نوآوری در کارآفرینی برای حل این معضلات بیش از پیش احساس می‌شود. وجود این معضلات اجتماعی به عنوان موانع اصلی توسعه جوامع شناسایی شده است. به اعتقاد پژوهشگر کارآفرینی اجتماعی با توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند سبب بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه شود. بسیاری از صاحب‌نظران در سال‌های اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که بدون توجه به حل مسائل و معضلات اجتماعی رسیدن به توسعه پایدار برای جوامع امری غیر ممکن می‌باشد (Drikvand and Shahriari, 2017) کارآفرین اجتماعی مشکل را در جامعه می‌بیند (یک تعادل ناعادلانه)، و از این فرصت به وجود آمده در جهت حل آن مشکل به صورت نوآورانه و ایجاد یک تعادل جدید و پایدارتر اقدام می‌کند. کارآفرینی نقش موثری در توسعه ایفا می‌کند توسعه نیازمند تغییرپذیری است و این کارآفرین‌ها و سازمان‌های کارآفرین هستند که الگوی مناسب برای تعادل پویا با شرایط متغیر به حساب می‌آیند (Heydari et al, 2021) به این ترتیب کارآفرینی به منزله راهبردی است که برنامه ریزان از طریق آن جوامع را به سمت توسعه سوق می‌دهند (Abbasi et al, 2022) کارآفرینی از یک سو سبب توسعه اقتصادی و از سوی دیگر موجب توسعه اجتماعی و فرهنگی می‌شود به همین خاطر است که در دنیای امروز کارآفرینی اجتماعی به عنوان زیر شاخه کارآفرینی به حساب می‌آید. کارآفرینی اجتماعی در ارتقاء شرایط زندگی افراد محروم از مزایای اجتماعی و اقتصادی و نیز تسهیل توسعه جامعه شناختی نقش بارزی بازی کرده است (Moghim, 1998) منفعت بالقوه و ماندگار به جامعه انتقال می‌دهد (Ahmadi Farsani and Safari, 2017) که فراتر از کسب سود و منافع شخصی است (Karpisheh, 2019) از این رو است که بین کارآفرینی اجتماعی و توسعه پایدار رابطه مثبت وجود دارد. کارآفرینی اجتماعی یک حوزه پژوهشی است که تحقیقات در این حوزه رو به گسترش می‌باشد.

پیشینه پژوهش

به چند پژوهش انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود:

اسکروکارو (Scroccaro, 2024) در پژوهش خود به بررسی موضوع «کارآفرینی اجتماعی و پایداری: یک دوره آموزشی چالش محور در دانشگاه ترنتو» پرداخت. نتیجه شامل برخی توصیه‌ها برای طراحی یک دوره آموزشی مبتنی بر چالش و شناسایی کاوش‌های بالقوه آینده در این حوزه است.

نوپیان و همکاران (Nuchian et al, 2024) در پژوهش خود به «بررسی ارزیابی عملکرد تأثیر اجتماعی شرکت‌های اجتماعی: شناسایی یک مدل کارآفرینی اجتماعی ایده‌آل» پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی منتخب ارزش اجتماعی قابل توجهی ایجاد کرده‌اند که به صراحت منجر به توانمندسازی اقتصادی، بهبود جامعه، رشد شغلی و توانمندسازی سیاسی ذینفعان مورد نظر آن می‌شود.

زولکیفل و عزیز (Zulkifile & Aziz, 2023) در پژوهشی به بررسی «عوامل تعیین کننده قصد کارآفرینی اجتماعی: یک مطالعه طولی در بین جوانان در مؤسسات آموزش عالی» پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آگاهی اجتماعی، خودکارآمدی، تجربه کارآفرینی قبلی، و جهان‌وطن‌گرایی به‌طور مداوم عوامل تعیین کننده‌ی مهمی در قصد کارآفرینی اجتماعی قبل و بعد از همه‌گیری هستند.

اونیلوو و همکاران (Onileow et al, 2023) در پژوهش خود به بررسی «تأثیر عمیق کارآفرینی اجتماعی بر پیشرفت توسعه پایدار: مروری سیستماتیک» پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که کارآفرینان اجتماعی با حل مسائل اجتماعی، ایجاد مدل‌های ارائه خدمات جدید و تقویت اقتصاد، توسعه پایدار را ترویج می‌کنند.

کشورهای در حال توسعه از جمله کشور عراق نیازمند توجه اساسی به مقوله کارآفرینی اجتماعی هستند تا زمینه سریع فرایند‌های توسعه پایدار مبتنی بر مشارکت مردم و به خصوص کارآفرینان را رقم بزنند، از طرفی شواهد پژوهشی چندانی مبنی بر وجود الگوهای آموزشی مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی در کشور عراق وجود ندارد و یک شکاف عمیق پژوهشی در این زمینه وجود دارد.

با انجام این پژوهش انتظار می‌رود برای دوره متوسطه تعلیم و تربیت کشور عراق یک الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی ارائه گردد تا زمینه توجه همه کارگزاران تعلیم و تربیت کشور عراق را به لحاظ کردن مولفه‌های این الگو جلب نماید و زمینه خلق فرصت‌های مبتنی بر ظرفیت فکری جمعی نوجوانان را فراهم سازد. علاوه بر این انجام این پژوهش می‌تواند رویکردهای نظری و سنتی حاکم بر آموزش دوره متوسطه کشور عراق را به چالش بکشد و زمینه توجه به پتانسیل‌های فکری برای کارآفرینی اجتماعی را فراهم سازد.

روش شناسی پژوهش

روش انجام این تحقیق توصیفی و از نوع همبستگی بوده است. در این فاز از تحقیق، ابتدا از داده‌های کیفی گردآوری شده در قسمت اول استفاده شد تا مفاهیم و متغیرهای مهم شناسایی شوند. سپس، بر اساس این مفاهیم، پرسشنامه‌های مربوطه طراحی شدند و به نمونه‌گیری از جامعه هدف پرداخته شد. در این بخش 150 نفر از اساتید و متخصصین کارآفرینی اجتماعی با روش هدفمند و با ملاک داشتن حداقل یک مقاله علمی پژوهشی در حوزه کارآفرینی به عنوان نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری از جامعه دبیران دوره متوسطه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی و با استفاده از جدول مورگان برای رعایت حداقل تعداد نمونه صورت گرفت. از بین 410 نفر دبیر بر اساس جدول مورگان تعداد 201 نفر انتخاب شد. بنابر این حجم نمونه 351 نفر بود. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بود. بخش اول پرسشنامه مربوط به سوالات فردی و اطلاعات دموگرافیک و بخش دوم سوالات طراحی شده در راستای اهداف تحقیق بود. پرسشنامه محقق ساخته که با توجه به پیشینه نظری و الگو کیفی منتج از صاحب نظران طراحی شد دارای 6 بُعد و 15 (مضمون سازمان دهنده) و 74 سؤال است. در تحقیق حاضر، جهت تعیین روایی پرسشنامه‌ها، از دو روش اصلی استفاده شده است: روایی محتوایی و روایی سازه. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه‌ها به گروهی از اساتید داده شد که شامل 10 نفر از اعضای هیأت علمی، بودند. از هر کدام از اساتید خواسته شد که نظر خود را درباره هر آیت در پرسشنامه با استفاده از یک مقیاس قضاوتی که از قبل تعیین شده بود، اعلام کنند. این مقیاس به شرح زیر بود:

- الف: ضروری

- ب: مفید اما غیرضروری

- ج: غیرضروری

پس از جمع‌آوری نظرات اعضا، پاسخ‌ها به شکل کد گذاری شدند و میانگین در صد تایید برای هر آیت محاسبه شد. با توجه به تعداد 10 نفر شرکت کننده، میانگین در صد تایید برای هر آیت به صورت محاسبه شده گزارش گردید. بر اساس جدول استاندارد CVR، درصد CVR بالاتر از 62٪ بود لذا گویه‌ها مناسب تشخیص داده شد. برای ارزیابی نرمال بودن توزیع نمره‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. سپس برای تأیید روایی سازه‌های الگو مورد استفاده، از دو روش تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. برای این منظور، داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS نسخه 26 و SmartPLS نسخه 3 تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی نرمال بودن مؤلفه‌های ابعاد الگو، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود و در تمامی آزمون‌ها، فرضیه آماری به صورت زیر بیان شده است.

جدول ۱ نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیرهای پژوهش

ابعاد	آماره	سطح معناداری	نتیجه
هدف‌گزینی	0/164	$p < 0/01$	نرمال نیست
مبانی محتوا	0/188	$p < 0/01$	نرمال نیست

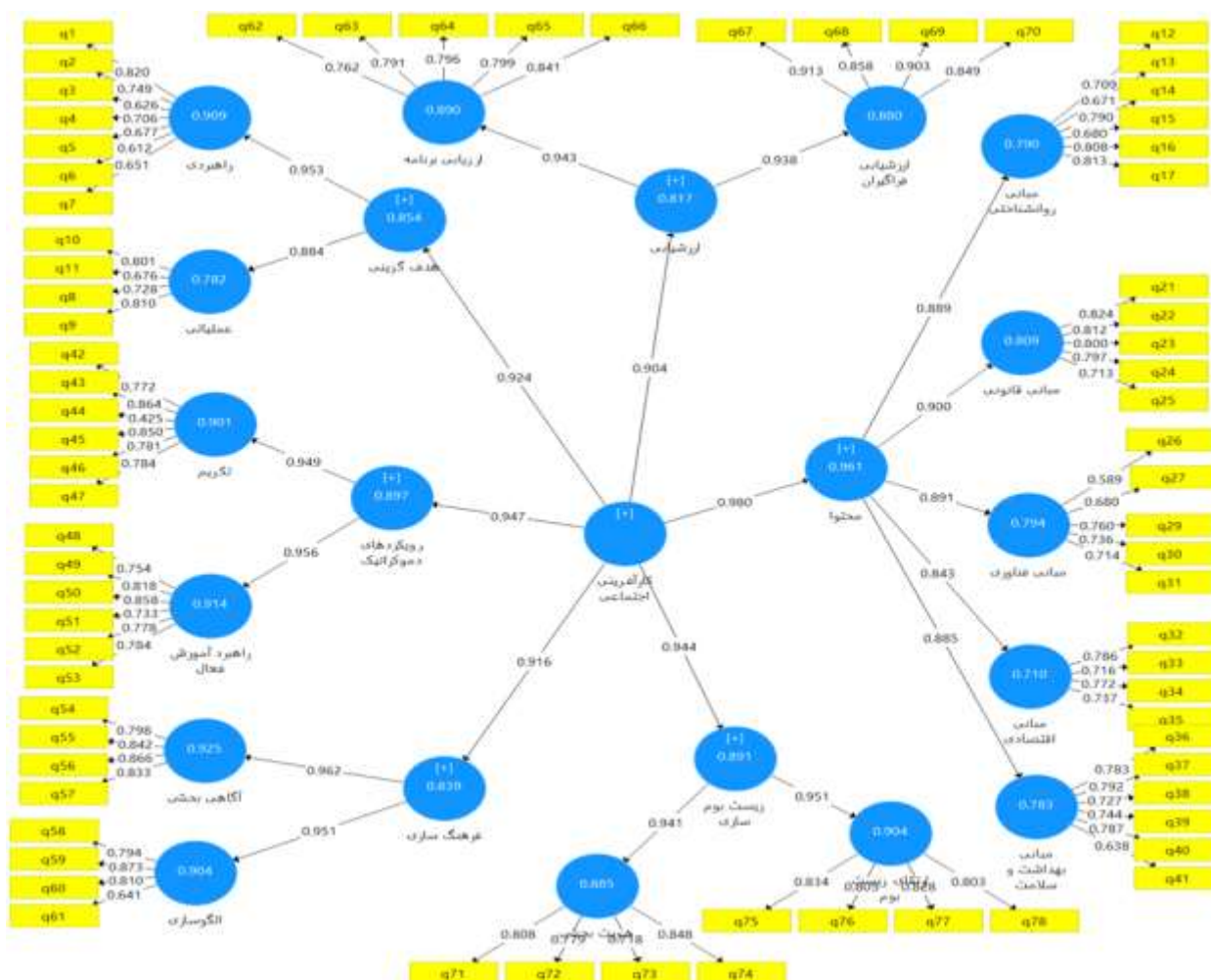
رویکرد دموکراتیک	0/165	$p < 0/01$	نرمال نیست
فرهنگ سازی	0/172	$p < 0/01$	نرمال نیست
ارزشیابی	0/151	$p < 0/01$	نرمال نیست
ارتقای زیست بوم	0/182	$p < 0/01$	نرمال نیست

همانطور که در جدول شماره (۱) مشاهده می شود چون مقدار سطح معنی داری در تمامی متغیرها پایین تر از مقدار خطای ۰/۰۵ می باشد پس فرض صفر رد می شود، یعنی متغیرهای پژوهش همگی نرمال نمی باشند و بهتر است از روش حداقل مربعات جزئی استفاده گردد.

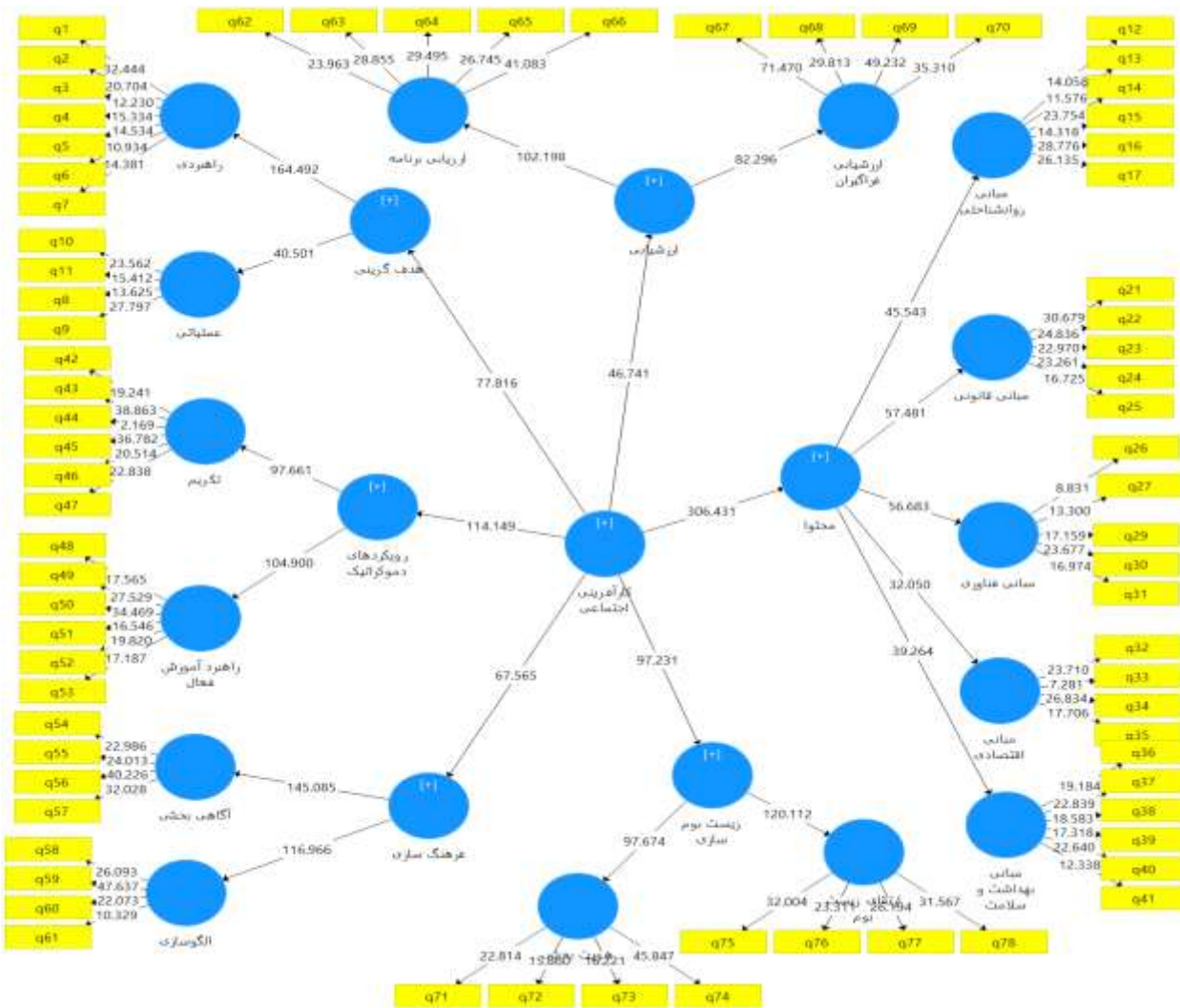
سؤال: - اعتبار الگوی آموزش کارافرینی اجتماعی برای دوره دانش آموزان متوسطه چگونه است؟

همانطور که در بخش کیفی تحقیق ذکر شد، الگو اولیه با استفاده از روش تحلیل مضمون شناسایی شد و سپس در این بخش با استفاده از نرم افزار پی ال اس تحلیل گردید. در این مرحله لازم است الگو مورد نظر شرح داده شود. در تحلیل با پی ال اس، برای ساختن یک الگو سلسله مراتبی از متغیرهای آشکار به صورت مکرر استفاده می شود. به این شکل که یک متغیر پنهان در سطح بالاتر می تواند با استفاده از تمامی متغیرهای آشکار یا گویه های سطح پایین تر شکل گیرد.

در مدل سازی معادلات ساختاری، بخشی که رابطه بین متغیرهای قابل مشاهده و متغیرهای پنهان را تعریف می کند، مدل اندازه گیری نامیده می شود. بخش دیگر که به روابط بین خود متغیرهای پنهان می پردازد، مدل تکوینی یا ساختاری نامیده می شود. در این مدل خاص، از مدل های بازتابی برای نشان دادن روابط علی بین متغیرهای اساسی استفاده می شود. یک نکته ضروری که باید در نظر گرفت این است که هر شاخص در مجموعه کل شاخص ها باید مقدار بار عاملی بالایی را با توجه به تنها یک بعد یا متغیر پنهان نشان دهد. این تضمین می کند که شاخص ها به شدت با متغیر پنهان مربوطه ای که نشان می دهند مرتبط هستند. برای اطمینان از اعتبار، بارهای عاملی بالای ۰.۵۰ قابل قبول تلقی می شوند. این آستانه نشان دهنده همبستگی اساسی بین متغیر قابل مشاهده و متغیر پنهان متناظر آن است که به پایایی و اعتبار کلی مدل کمک می کند. همان طور که در نمودار زیر دیده می شود دسته دوم مدل معادلات ساختاری هستند که روابط بین متغیرهای پنهان می باشند و برای آزمون فرضیه استفاده می گردند با توجه به مدل در حالت تخمین ضرایب می توان بارهای عاملی و ضرایب مسیر را برآورد کرد. شکل شماره (۱).



شکل شماره ۱ تحلیل عاملی سازه الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی در حالت تخمین استاندارد



شکل شماره ۲ تحلیل عاملی تحلیل عاملی سازه در حالت معنی داری.

بر اساس مبانی نظری، بار عاملی می‌تواند کمتر از ۰.۵ باشد. هرچه بار عاملی بالاتر باشد، سهم بیشتری در اندازه‌گیری متغیر مورد نظر دارد و بالعکس. با توجه به شکل، می‌توان گفت که در این مدل، تمام متغیرهای آشکار دارای بار عاملی بالاتر از ۰.۶ هستند که این نشان‌دهنده سطح بسیار مطلوبی برای سنجش متغیرها است. تمامی ضرایب در سطح اطمینان ۰.۹۵ معنادار هستند، بنابراین نتایج حاصل از بارهای عاملی نشان‌دهنده روایی بالایی مدل است. معنی داری ضرایب مسیر تنها وجود روابط را نشان می‌دهد و شدت آنها را مشخص نمی‌کند. ضرایب مسیری که بالاتر از ۰.۵۸ هستند، نشان‌دهنده صحت روابط با اطمینان ۹۹ درصد هستند. ضریب تعیین یکی از پنج معیار اصلی برای ارزیابی برازش مدل در روش حداقل مربعات جزئی است. این شاخص نشان‌دهنده مقدار تغییراتی است که در متغیرهای وابسته مدل توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. لازم به ذکر است که مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون‌زا محاسبه می‌شود و برای سازه‌های برون‌زا این مقدار برابر با صفر است. هرچه مقدار R^2 برای سازه‌های درون‌زا مدل بیشتر باشد، نشان‌دهنده برازش بهتر مدل است. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰.۱۹، ۰.۳۳ و ۰.۶۷ را به عنوان معیارهای تعیین کننده برازش ضعیف، متوسط و قوی بخش ساختاری مدل بر اساس شاخص R^2 معرفی کرده است. بر این اساس، مقادیر ضریب تعیین در این مدل در سطح بسیار مطلوبی قرار

دارند. علاوه بر این، معیار قدرت پیش‌بینی مدل، که توانایی پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌ها را نیز ارزیابی می‌کند، مقادیر $0/20$ ، $0/15$ و $0/35$ را برای سطوح مختلف قدرت پیش‌بینی مدل تعیین کرده است. در این پژوهش، مقادیر همه متغیرها نشان‌دهنده سطح بسیار قابل قبول هستند. همچنین، مقدار $RMSR$ در این مدل 0.075 بود که مقدار قابل قبول کمتر از 0.080 است، بنابراین مدل مذکور دارای برازش بسیار مناسبی است. با توجه به جداول، بار عاملی استاندارد و معنی‌داری t در سطح اطمینان 95 درصد برای هر یک از گویه‌های هر عامل مشخص شده است. شاخص ارزیابی میزان ارتباط هر سؤال با عامل زیربنایی آن نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار گویه‌ها است، بنابراین همه گویه‌ها به طور معنی‌داری به عامل زیربنایی خود مرتبط هستند و می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری و ارزیابی شاخص‌های جزئی مطلوب است. شاخص‌های بررسی پایایی مرکب، پایایی گویه و میانگین واریانس استخراج شده همگی نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل مربوطه هستند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی بیشتر از 7% شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد. ضریب همبستگی آلفای کرونباخ نوعی اندازه‌گیری پایایی ثابت درونی است. پایایی ثابت درونی، همانند تحلیل عاملی روشی برای مشاهده شدت همبستگی بین گویه‌هاست. استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، معمول‌ترین روش محاسبه پایایی است و از بقیه روش‌ها بیشتر گزارش شده است. قاعده کلی این است که مقدار آلفای کرونباخ یک مقیاس باید حداقل 70% باشد. که در این مدل همگی از 90 صدم بالاتر بود که نشان از مناسب بودن سطح ضرایب در این تحقیق است. شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) جهت بررسی اعتبار همگرا استفاده شد. عموماً از این شاخص برای ارزیابی اعتبار محتوا استفاده شده است و مقدار واریانسی را که یک متغیر پنهان از نشانگرهایش به دست می‌آورد، اندازه می‌گیرد. اعتبار همگرا، این موضوع را که نشانگرهای یک سازه خاص باید در نسبت بالایی از واریانس عمومی همگرا یا سهیم باشند، ارزیابی می‌کند. مقدار این شاخص بین $(0$ تا $1)$ است و مقادیر بالاتر این شاخص نشان از اعتبار همگرای سازه مورد نظر دارد.

لازم به ذکر است که در تحلیل عاملی سازه‌ها گویه‌های 18 ، 19 و 20 که دارای بار عاملی کمتر از $0/5$ بودند حذف گردید.

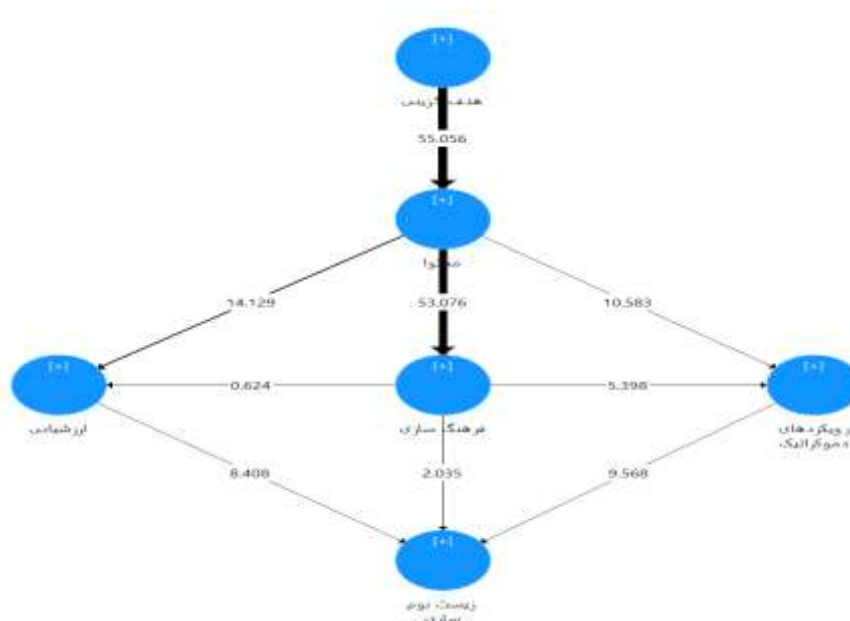
عنوان: اعتباربخشی الگوی آموزش کارافرینی اجتماعی دوره متوسطه
عنوان: اعتباربخشی الگوی آموزش کارافرینی اجتماعی دوره متوسطه

جدول شماره ۲ فورنل و لارکر

Fornell-Larcker Criterion

کارآفرینی اجتماع	هویت بخشی	هدف گزینی	محتوا	مبانی قانونی	مبانی فناوری	مبانی روانشناختی	مبانی بهداشت و	مبانی اقتصادی	فرهنگ سازی	عملیاتی	زیست بوم ساز	رویکردهای دمو	راهبردی	راهبرد آموزش	تکریم	الگوسازی	ارزیابی برنامه	ارزشیابی فراگیر	ارزشیابی	ارتقای زیست بوم	آگاهی بخشی
																				0.878	0.885
																				0.778	
																			0.909	0.805	0.712
																		0.881	0.738	0.698	0.639
																	0.908	0.770	0.743	0.813	0.698
																0.938	0.759	0.633	0.742	0.787	0.829
															0.861	0.760	0.709	0.687	0.743	0.853	0.771
														0.908	0.816	0.836	0.738	0.677	0.753	0.822	0.807
													0.875	0.752	0.786	0.782	0.794	0.721	0.807	0.793	0.755
												0.924	0.807	0.562	0.356	0.839	0.760	0.716	0.786	0.879	0.829
											0.906	0.895	0.817	0.833	0.830	0.782	0.814	0.773	0.845	0.751	0.804
										0.884	0.725	0.775	0.702	0.739	0.737	0.720	0.626	0.536	0.620	0.725	0.790
									0.916	0.792	0.831	0.872	0.804	0.858	0.802	0.951	0.760	0.667	0.760	0.818	0.662
								0.908	0.714	0.573	0.766	0.750	0.738	0.742	0.686	0.710	0.853	0.774	0.865	0.760	0.657
							0.868	0.753	0.717	0.601	0.847	0.776	0.754	0.724	0.755	0.682	0.751	0.869	0.860	0.743	0.687
							0.881	0.659	0.806	0.707	0.799	0.845	0.728	0.832	0.776	0.776	0.689	0.626	0.700	0.791	0.766
					0.813	0.762	0.744	0.719	0.777	0.643	0.765	0.789	0.821	0.736	0.769	0.768	0.808	0.701	0.804	0.741	0.719
				0.900	0.742	0.796	0.725	0.664	0.811	0.712	0.818	0.831	0.778	0.793	0.791	0.770	0.711	0.667	0.733	0.806	0.779
			0.980	0.662	0.891	0.889	0.885	0.843	0.869	0.739	0.811	0.908	0.863	0.870	0.860	0.840	0.852	0.822	0.891	0.842	0.822
		0.924	0.879	0.813	0.811	0.777	0.750	0.728	0.863	0.811	0.844	0.858	0.553	0.807	0.828	0.818	0.787	0.701	0.793	0.828	0.830
	0.871	0.766	0.848	0.739	0.704	0.717	0.865	0.685	0.751	0.644	0.941	0.811	0.751	0.750	0.796	0.689	0.723	0.768	0.793	0.789	0.742
0.669	0.712	0.662	0.682	0.881	0.870	0.867	0.682	0.836	0.682	0.796	0.382	0.471	0.894	0.905	0.809	0.879	0.874	0.824	0.804	0.613	0.872

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقادیر روی قطر اصلی ماتریس از تمامی مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگ‌تر هستند که این نشان‌دهنده اعتبار تشخیصی مناسب در مدل ما است. علاوه بر این، مقدار SRMSR در این سازه برابر با ۰/۰۷۵ بود که کمتر از ۰/۰۸ است و نشان‌دهنده برازش خوب الگو می‌باشد



شکل شماره ۳ الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی

با توجه به شکل ۳ می‌توان گفت که هدف‌گزینی با مقدار تی ۵۵/۵۰ بر محتوا تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد و محتوا با مقدار تی ۵۳/۰۷ بر فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌سازی با مقدار تی ۵/۳۹ بر رویکردهای دموکراتیک تاثیر معنی‌دار دارد. همچنین فرهنگ‌سازی با مقدار تی ۲/۰۳۵ بر رویکردهای دموکراتیک تاثیر معنی‌دار دارد. همچنین ارزشیابی با مقدار تی ۴۰/۸ و رویکردهای دموکراتیک با مقدار تی ۹/۵۶ بر زیست‌بوم تاثیر گذار است. آمارتی خارج از بازه منفی ۱/۹۶ تا مثبت ۱/۹۶ قرار گرفته و سطح معنی‌داری $P > 0.01$ محاسبه شده است.

معیار رایج برای ارزیابی روایی همگرا در سطح سازه، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) است. این معیار به عنوان میانگین کل توان دوم بارهای معرف‌های هر سازه تعریف می‌شود (مجموع توان دوم بارها تقسیم بر تعداد معرف‌ها). بنابراین، AVE نشان‌دهنده میزان اشتراک یک سازه است. مقدار AVE برابر یا بیشتر از ۰/۵۰ نشان می‌دهد که سازه به طور متوسط بیش از نیمی از واریانس معرف‌های متناظر را توضیح می‌دهد. به عکس، اگر مقدار AVE کمتر از ۰/۵۰ باشد، نشان‌دهنده این است که به طور متوسط، خطای بیشتری در آیتم‌ها نسبت به واریانس توضیح داده شده توسط سازه‌ها باقی می‌ماند. بنابراین، با توجه به مقادیر بدست آمده AVE که بالاتر از ۰/۵۰ هستند، می‌توان نتیجه گرفت که الگو مورد نظر دارای روایی همگرای بسیار مطلوبی است. معیار Q^2 که توسط استون و گیسر (۱۹۷۵) معرفی شده است، قدرت پیش‌بینی الگو در متغیرهای وابسته را تعیین می‌کند.

بر اساس نظر آنها، الگوهایی که دارای برازش بخش ساختاری مناسبی هستند، باید توانایی پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زا را داشته باشند. به عبارت دیگر، اگر روابط بین سازه‌ها در یک الگو به درستی تعریف شده باشد، سازه‌ها قادر خواهند بود تأثیر کافی بر شاخص‌های یکدیگر بگذارند و از این طریق فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. رینگل و همکاران (۲۰۱۵) سه مقدار ۰.۰۲، ۰.۱۵ و ۰.۳۵ را به عنوان سطوح قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی برای سازه‌های درون‌زا تعیین کرده‌اند. بنابراین، الگو مذکور از برازش ساختاری مناسبی برخوردار است. همچنین شاخص SRMR برابر با ۰/۰۶ بوده که دال بر برازش بالای الگو است. روایی افتراقی نیز در ماتریس فورنل و لارکر در جدول شماره ۳ آمده است.

جدول شماره ۳ روایی افتراقی نیز در ماتریس فورنل و لارکر

معیار فورنل و لارکر					
ارزشیابی	رویکردهای دموکراتیک	زیست بوم سازی	فرهنگ سازی	محتوا	هدف گزینی
ارزشیابی	۰.۸۹۲				
رویکردهای دموکراتیک	۰.۷۸۹	۰.۹۰۹			
زیست بوم سازی	۰.۸۴۸	۰.۸۹۷	۰.۹۱۰	۰.۸۶۵	
فرهنگ سازی	۰.۷۶۶	۰.۸۷۳	۰.۸۳۴	۰.۷۷۴	
محتوا	۰.۷۱۴	۰.۶۶۴	۰.۷۷۴	۰.۸۷۲	۰.۸۸۴
هدف گزینی	۰.۸۰۱	۰.۸۵۹	۰.۸۴۶	۰.۶۶۴	۰.۷۰۴

بحث و نتیجه گیری

در الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی که از نگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش به دست آمده است، اولین مرحله هدف‌گذاری است. این مرحله پایه‌گذار سایر بخش‌های مدل است و باید در سطح راهبردی و عملیاتی توسط مدیران انجام شود. در سطح راهبردی، مدیران باید چشم‌انداز و اهداف کلانی را تعریف کنند که ناظر بر توسعه کارآفرینی اجتماعی در میان دانش‌آموزان است. این اهداف باید با استراتژی‌های کلی آموزشی و نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه منطبق باشند. در سطح عملیاتی نیز، برنامه‌ها و روش‌های اجرایی به منظور دستیابی به این اهداف باید طراحی و به دقت پیاده‌سازی شوند. از طریق هدف‌گذاری مشخص، مدیران و مجریان آموزشی مسیر روشنی برای برنامه‌ریزی و اجرا خواهند داشت.

مبانی محتوا به عنوان مرحله بعدی در الگو مطرح می‌شود و شامل مبانی روانشناختی، قانونی، فناوری، اقتصادی، و سلامت و بهداشت است. این مبانی نه تنها برای طراحی برنامه آموزشی بلکه برای ارتقای درک و مهارت‌های دانش‌آموزان در حوزه کارآفرینی اجتماعی اهمیت زیادی دارد.

– مبانی روانشناختی: در این زمینه، برنامه‌های آموزشی باید به نیازهای روانی و عاطفی دانش‌آموزان توجه کنند و به آن‌ها کمک کنند تا انگیزه‌ها، ارزش‌ها و توانایی‌های خود را درک و تقویت کنند. رشد اعتماد به نفس، تفکر خلاق، و توانایی حل مسئله از جمله نتایجی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

- مبانی قانونی: دانش‌آموزان باید با چارچوب‌های قانونی مرتبط با کارآفرینی آشنا شوند. این شامل قوانینی است که مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی، حقوق کارآفرینان، و مسائل حقوقی و مالی می‌شود.
- مبانی فناوری: در این عصر، آشنایی با فناوری‌های نوین و دیجیتال برای هر کارآفرینی ضروری است. برنامه‌های آموزشی باید دانش‌آموزان را با فناوری‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی، مدیریت دیجیتال، و ابزارهای دیجیتالی که برای کارآفرینی اجتماعی کاربرد دارند، آشنا کنند.
- مبانی اقتصادی: درک مفاهیم اقتصادی و مالی از جمله بودجه‌بندی، مدیریت مالی، و توسعه اقتصادی محلی نقش مهمی در آموزش کارآفرینی دارد. این مبانی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا پروژه‌های خود را به‌طور مالی پایدار اداره کنند.
- مبانی سلامت و بهداشت: بخش دیگری که باید در این الگو مدنظر قرار گیرد، مسائل مرتبط با سلامت جسمی و روانی است. کارآفرینی اجتماعی باید در راستای بهبود سلامت جامعه محلی باشد و دانش‌آموزان نیز باید با اصول بهداشت و سلامت آشنا شوند تا بتوانند به کاهش آسیب‌ها و مشکلات سلامت در جامعه کمک کنند.
- یکی از مؤلفه‌های کلیدی این الگو، رویکردهای دموکراتیک و آزادمنشانه در آموزش است. این رویکردها شامل تکریم دانش‌آموزان، فراهم کردن فرصت‌های مشارکت فعال در فرآیند یادگیری، و اتخاذ راهبردهای آموزشی مناسب برای عصر جدید است. این رویکردها نه تنها بر اساس اصول علمی طراحی شده‌اند، بلکه به ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز پایبند هستند. آموزش با رویکرد دموکراتیک به معنای احترام به نظرات و مشارکت فعال دانش‌آموزان است. این روش‌ها باعث تقویت اعتماد به نفس، استقلال فکری، و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان می‌شوند و آن‌ها را به شهروندانی فعال و متعهد تبدیل می‌کنند. مرحله بعدی، ارزشیابی است که در دو سطح باید صورت گیرد: ارزشیابی برنامه و ارزشیابی از فراگیران. ارزشیابی برنامه شامل بررسی نتایج برنامه‌های آموزشی و میزان دستیابی به اهداف اولیه است. در این فرآیند، نقاط قوت و ضعف برنامه‌ها شناسایی می‌شود و راهکارهایی برای بهبود آن‌ها پیشنهاد می‌شود. ارزشیابی فراگیران نیز با استفاده از روش‌های نوین انجام می‌شود که شامل سنجش مهارت‌ها، دانش، و نگرش‌های آن‌ها نسبت به کارآفرینی اجتماعی است. این ارزشیابی‌ها نه تنها برای ارزیابی یادگیری دانش‌آموزان بلکه برای بررسی میزان اثربخشی روش‌های آموزشی نیز اهمیت دارند.
- فرهنگ‌سازی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این الگو است. بدون فرهنگ‌سازی، ایجاد کارآفرینی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دشوار است. فرهنگ‌سازی شامل آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان، خانواده‌هایشان و جامعه محلی است. این مرحله از برنامه به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به ارزش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی توجه بیشتری داشته باشند و مسئولیت‌های اجتماعی خود را به عنوان کارآفرینان آینده درک کنند. فرهنگ‌سازی از طریق کارگاه‌ها، جلسات آموزشی، و مشارکت فعال دانش‌آموزان در پروژه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی انجام می‌شود.
- الگوسازی نیز نقش مهمی در این الگو دارد. ارائه مثال‌ها و داستان‌های موفق از کارآفرینان اجتماعی می‌تواند به عنوان منبع الهام برای دانش‌آموزان عمل کند. با دعوت از کارآفرینان موفق برای سخنرانی یا برگزاری کارگاه‌های آموزشی، دانش‌آموزان می‌توانند از تجربیات واقعی بیاموزند و با چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی اجتماعی آشنا شوند. همچنین، استفاده از میراث فرهنگی و تاریخی منطقه به عنوان بخشی از هویت‌سازی، می‌تواند به دانش‌آموزان احساس تعلق و مسئولیت نسبت به جامعه محلی خود بدهد.
- در نهایت، تمام تلاش‌ها و برنامه‌های مطرح شده در این الگو باید به ارتقاء زیست‌بوم ختم شود. ارتقاء زیست‌بوم شامل توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه محلی، کاهش فقر و آلودگی‌های زیست‌محیطی، و ارتقای سلامت جسمی و روانی فراگیران و جامعه است. برای دستیابی به این هدف، باید ابتدا در دانش‌آموزان هویت‌آفرینی شود و آن‌ها نسبت به زیست‌بوم محلی خود علاقه و تعهد پیدا کنند. این هویت‌بخشی، باعث می‌شود که دانش‌آموزان در پروژه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی مشارکت فعال داشته باشند و نقش خود را در بهبود زیست‌بوم درک کنند. در نتیجه، ارتقای کمی و کیفی زیست‌بوم شامل بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی جامعه محلی خواهد شد و به توسعه پایدار کمک می‌کند.
- به طور کلی، این الگو یک رویکرد جامع و مرحله‌ای برای آموزش کارآفرینی اجتماعی به دانش‌آموزان است که هدف آن تربیت کارآفرینانی است که علاوه بر مهارت‌های فنی، به مسئولیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی خود نیز آگاه هستند. لازم به ذکر است با توجه به نبود الگو، تحقیق مشابه برای مقایسه یافت نشد ولی همانطور که در ابتدای فصل آمده تا حد امکان نتایج تحقیق با تحقیقات نزدیک مورد مقایسه قرار گرفت.

این پژوهش به طراحی یک الگوی آموزش کارآفرینی اجتماعی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه کشور عراق پرداخته و اجزای مختلفی را در این الگو مورد توجه قرار داده است. این اجزا شامل هدف‌گزینی (اهداف راهبردی و اهداف عملیاتی)، مبانی محتوایی (روانشناختی، قانونی، فناوری، اقتصادی و بهداشت و سلامت)، رویکرد دموکراتیک (تکریم فراگیر و راهبردهای آموزش)، فرهنگ سازی (آگاهی‌بخشی و الگو سازی)، ارزشیابی (ارزیابی برنامه و ارزیابی فراگیران)، و زیست‌بوم سازی (هویت‌بخشی و ارتقای زیست‌بوم) هستند. این تحقیق در زمینه‌های هدف‌گذاری و مبانی محتوایی با پژوهش‌های قبلی همسو است. برای مثال، یافته‌های گیب (1994) و هرینگ و ویلیام (2000)، زجدا (2024) از دیدگاه‌های مشابهی در رابطه با هدف‌گذاری و تعیین محتوای آموزشی برای کارآفرینی اجتماعی حمایت کرده‌اند. این مطالعات به اهمیت مبانی روانشناختی، قانونی، فناوری، اقتصادی و بهداشت و سلامت در آموزش کارآفرینی اشاره می‌کنند.

در بخش شاخص‌های اقتصادی، این الگو با پژوهش شریف و همکاران (2011) هم‌سویی دارد. این امر به اهمیت آموزش مفاهیم اقتصادی برای دانش‌آموزان اشاره دارد، به طوری که درک مسائل اقتصادی از قبیل مدیریت منابع، بودجه‌بندی، و مفاهیم اقتصادی کلان و خرد در فرآیند آموزش کارآفرینی ضروری است.

آنچه این الگو را منحصر به فرد می‌سازد و ویژگی نوآورانه آن محسوب می‌شود، افزودن ابعاد فرهنگ‌سازی، برخی مولفه‌های محتوایی، و زیست‌بوم‌سازی است که در تحقیقات مشابه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

1. فرهنگ سازی شامل آگاهی‌بخشی به دانش‌آموزان، خانواده‌های آن‌ها و جامعه محلی درباره اهمیت کارآفرینی اجتماعی است. در این رویکرد، تأکید بر ایجاد یک فرهنگ عمومی در جامعه برای حمایت از کارآفرینی اجتماعی می‌شود که در سایر تحقیقات مشابه کمتر به این مسئله توجه شده است.

2. همچنین، مولفه‌های محتوایی نظیر مبانی بهداشت و سلامت، از جمله مواردی هستند که به طور خاص به این الگو افزوده شده‌اند. این توجه به مبانی سلامت و بهداشت جسمی و روانی در کارآفرینی اجتماعی، زمینه‌ای است که کمتر در الگوهای مشابه مطرح شده است.

3. بعد زیست‌بوم‌سازی که شامل هویت‌بخشی و ارتقای زیست‌بوم است، در تحقیقات مشابه به چشم نمی‌خورد. این بخش نشان‌دهنده اهمیت حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار در فرآیند کارآفرینی اجتماعی است. بر اساس این الگو، دانش‌آموزان با پروژه‌هایی مانند پاک‌سازی محیط‌های طبیعی، کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، و ترویج سلامت جامعه محلی آشنا می‌شوند.

این الگو به طور کلی نه تنها ابعاد فنی و مهارتی کارآفرینی اجتماعی را پوشش می‌دهد، بلکه به ابعاد انسانی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای دارد. در اینجا، کارآفرینی اجتماعی به عنوان یک فعالیت جامع دیده می‌شود که هم بعد اقتصادی و هم بعد اجتماعی و زیست‌محیطی را شامل می‌شود. نوآوری‌های این الگو در مقایسه با تحقیقات مشابه، باعث می‌شود تا از چارچوب‌های سنتی فراتر رفته و به نیازهای فعلی و آینده جامعه محلی و و به احتمال زیاد جهانی پاسخ دهد.

References:

- Abbasi, S., Mirdamadi, S. M., Omid Najafabadi, M., & Farajallah Hosseini, S. J. (2022). Designing a model for the development of rural ecotourism entrepreneurship with a qualitative approach. *Geography and Development*, *20*(66), 131–160. <https://doi.org/10.22111/gdij.2022.7216>
- Ahmadi Farsani, A., & Mehran Ali Safari. (2017). Social entrepreneurship: Factors and consequences with the approach of Nahj al-Balagha. *Nahj al-Balagha Research Journal*, *18*, 99–118.
- Derikund, A and Shahriari, J. (2017). Explaining the conceptual model of social entrepreneurship in the Imam Khomeini Relief Committee of the country, *Journal of Management and Entrepreneurship Studies*, Volume 3, Issue 1.
- Gibb, A. A. (1994). Do we really teach (approach) small business the way we should? *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 11(2), 11-27.
- Herring III, H. C., & Williams, J. R. (2000). The role of objectives in curriculum development. *Journal of Accounting Education*, 18(1), 1-14.

- Heidari, Z., Rahimi Eghdam, S., & Hosseini, S. S. (2021). The impact of senior managers' support on organizational entrepreneurship with the mediating role of emotional commitment of faculty members at the University of Tabriz. *Journal of Entrepreneurship Development*, *4*(1), 41–60. <https://doi.org/10.22059/jed.2021.315378.653539>. [In Persian]
- Karpisheh, L. (2019). Tourism development based on social entrepreneurship. *Geography and Human Relationships*, *2*(3), 476–487. <https://doi.org/10.22034/gahr.2019.83098> [In Persian]
- Meyer, N. (2014). Creating an entrepreneurial culture among students through entrepreneurship development programs (EDP). population.
- Moghim, S. M. (1998). Entrepreneurship in civil society institutions (3rd ed.). University of Tehran Press. [In Persian]
- Norouzi Ajirloo, R., Soleimanpour, M., & Khabaz Babil, S. (2024). Designing a strategic model of social entrepreneurship: A meta-synthesis study. *Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*, 21(2), 149-175. doi: 10.22067/social.2023.84362.1419. [In Persian]
- Nuchian, N., Biju, A. V. N., & Reddy, K. (2024). An investigation on social impact performance assessment of the social enterprises: Identification of an ideal social entrepreneurship model. *Business Strategy & Development*, 7(1), e305.
- Onileowo, T. T., & Muharam, F. M. (2024). The Profound Influence of Social Entrepreneurship on the Advancement of Sustainable Development: A Systematic Review. *International Journal of Novel Research in Marketing Management and Economics*, 11(1), 83-103.
- Scroccaro, A. (2024). Social Entrepreneurship and sustainability. A Curricular Challenge-based Course at the University of Trento. In *EDULEARN24 Proceedings* (pp. 3313-3317).
- Sharif, S. M., Jamshidian, A. R., Rahimi, H., & Naderi, N. (2011). Analysis of the status of entrepreneurship education in Iranian higher education. *Journal of Entrepreneurship Development*, *4*(1), 87–106. <https://doi.org/10.22059/jed.2011.24810> [In Persian]
- Taleb, Z., Noubariyan, & Fathi Vajargah, K. (1993). Specialized topics in curriculum planning (1st ed.). Ayizh Publications. [In Persian]
- Zajda, J. (2024). Curriculum design and evaluation in the global culture. In *Handbook of Curriculum Theory, Research, and Practice* (pp. 783-797). Cham: Springer International Publishing.
- Zulkifle, A. M., & Aziz, K. A. (2023). Determinants of Social Entrepreneurship Intention: A Longitudinal Study among Youth in Higher Learning Institutions. *Social Sciences*, 12(3), 124. [In Persian]

